



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	ابعاد زندگی انسان.....
۲.....	مرور بحث گذشته.....
۲.....	رابطه اجتهاد با ابعاد زندگی بشر.....
۲.....	جایگاه بحث تأثیرات و تأثرات.....
۳.....	رد نسبیت مطلق.....
۳.....	سبک زندگی فردی و اجتماعی.....
۳.....	اهمیت اجتهاد در این باب.....
۳.....	جمع بندی.....
۴.....	نگاه تاریخی به فقه.....
۴.....	مراحل فقه شیعه.....
۴.....	مرحله چهارم.....
۵.....	مرحله پنجم.....
۵.....	مرحله ششم.....



ابعاد زندگی انسان

مرور بحث گذشته

در جلسه پیشین گفته شد که زندگی انسان دارای چند محور است؛

یکی از موضوعات مطرح در این زمینه سبک‌های زندگی فردی و اجتماعی افراد است که فعلاً مورد بحث، زمینه نرم‌افزاری آن است، بخش اول از زندگی انسان، بخشی است که در متون دینی به صورت مصرح بدان پرداخته شده است، اما بخش‌های دیگری نیز وجود دارد که به آن تصریح نشده است که سبک‌های هنری، معماری و سایر ابعاد زندگی بشر را دربر می‌گیرد.

هرچه قدر به بالا نگاه داشته باشیم، اهمیت این نوع از اجتهاد عمقی بیشتر نمود پیدا می‌کند.

رابطه اجتهاد با ابعاد زندگی بشر

اجتهاد و فراورده اجتهاد که فقه و احکام و شریعت باشد، با حوزه‌های معرفتی بشر برقرار می‌کند، اعم از معارف عقلی یا معارف طبیعی یا معارف علوم انسانی. این یک حوزه بود که حوزه مهمی است. دیروز دورنمای بحث را عرض کردیم و گفتیم این ارتباط در آن درجه از اهمیت است و تأثیر و تأثر در آن درجه‌ای است که نیازمند به اجتهاد است. و با یک نگاه اجتهادی می‌شود در این بحث ترابط و تواصل و اتصال بین حوزه‌های معرفتی دینی و معارف دیگر، از معارف بشری کسی ورود کند.

جایگاه بحث تأثیرات و تأثرات

و این بحثی است که در دوره متأخر، از قدیم مطرح بوده، یعنی بحث سابقه‌داری است. ولی در دوره متأخر هم مباحث فراوانی در بحث‌های غربی‌ها در این زمینه وجود داشته است، هم در کشورهای اسلامی و خود کشور ما، این یک بحث بود که دیروز دورنمای بحث را عرض کردیم، نه اینکه وارد تفصیل مباحث بشویم.

فقط تأکید ما روی این نکته بود که این تأثیر و تأثر در درجه‌ای است که تعیین مرزها و کیفیت آن به لحاظ کبروی و صغروی نیازمند اجتهاد است، یعنی یک مجتهد به معنای جامع می‌تواند در این قلمرو ورود کند. بعد از فراغ از مباحث کبروی آن که آن هم اجتهاد جامعی می‌خواهد، در صغریات بحث هم نیاز به اجتهاد است و تأثیر و تأثر هم متقابل است.



رد نسبیت مطلق

البته ما قائل به تأثیر و تأثری نیستیم که به نسبیت مطلق بکشد، ولی به یک نوع تأثیر و تأثری که موجب تطور علم می‌شود و در یک فرایند تدریجی تکاملی را ایجاد می‌کند معتقدیم و این فرایند باید در زیر چتر یک نگاه اجتهادی تحقق پیدا بکند. این یک مبحث در این قسمت بود. علاوه بر این، چند موضوع دیگر هم هست که آن‌ها را اشاره‌وار مطرح می‌کنیم.

سبک زندگی فردی و اجتماعی

یکی سبک‌های زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی است و ارتباطی که با حوزه‌های دینی پیدا می‌کند. این سبک‌ها که می‌گوییم بحثمان فعلاً نرم‌افزاری است، کار به فن‌آوری و صنعت نداریم. گرچه با آن‌هم ارتباط دارد، این سبک زندگی، ولی اینجا بیشتر نگاهمان در حوزه سخت‌افزار نیست، بلکه امر ظریف‌تری است. نوع سلوکی که فرد با دیگران و جامعه دارد.

اهمیت اجتهاد در این باب

این یک بخش است که سبک و سلوک و آداب و سلوک زندگی می‌شود. و یک بخش هم فن‌آوری‌ها و تکنولوژی‌ها می‌شود و تنظیماتی که در تصرف بشر در طبیعت وجود دارد. این هم دو بخش است. اما بخش اول که سبک‌ها باشد، یک بخشی از این سبک‌ها به‌طور مصرح در متون دینی، به‌صورت الزامی یا ترجیحی آمده است آن یک بخش است که تصریح شده و استخراج این سبک طبعاً در حوزه اجتهاد و فقهات قرار می‌گیرد، برای اینکه ذات این‌ها ذات فقهی است و این سبک‌های مصرح و مورد تصریح متون چیزی است که بایستی استخراج کرد و این هم کار اجتهادی می‌خواهد.

جمع‌بندی

بنابراین در سبک‌ها و شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی یک بخش داریم؛

بخش اول از آن بخش‌های مصرح است. این بخش روشن است. این در محدوده فقه می‌گنجد. اما مهم‌تر از آن بخش دیگر است. بخش‌های دیگری داریم غیر مصرح است. به آن تصریح نشده است. این سبک‌ها سبک‌های هنری، معماری، فرهنگی، اجتماعی و ... از این قبیل است که به‌طور زمان هم‌تطور پیدا می‌کند. ما به‌طور مستقیم در باب این‌ها چیزی در متون دینی نداریم. این نوع دوم است. بنابراین این سبک‌های زندگی، آداب سلوک اجتماعی، خانوادگی و فردی، بخش مصرح آن تکلیفش روشن است، اما آن بخش غیر مصرح اینجا نوعی نظر فقهاتی و اجتهادی می‌طلبد.



نگاه تاریخی به فقه

در این مجال باید نگاه تاریخی به فقه بماهو فقه داشت که مرحوم شهید صدر در معالمشان بدان پرداخته‌اند و تاکنون در مقاطع مختلف به صورت پراکنده به این مبحث پرداخته شده است. در حقیقت از پایان دوران غیبت صغری این ادوار و تطور فقهی گسترش پیدا کرد. البته می‌شود در نگاهی کلان این ادوار را به دوران حضور نیز تسری داد که اوج آن در دوران صادقین (علیهما السلام) بوده است.

مراحل فقه شیعه

برای فقه شیعه از منظری می‌توان شش دوره ترسیم نمود؛

مرحله اول که مرحله تأسیس نام دارد، دوره ایست که مرحوم کلینی، صدوق پدر و پسر، ابن قولویه، مرحوم مفید، سید مرتضی، حلبی و سلار در آن حضور داشته‌اند که تا حدود ۴۵۰ سال تقریباً اوج شکوفایی حوزه بغداد است.

مرحله دوم، مرحله نزج اولیه و تکامل اولیه نامیده شده که از شیخ طوسی شروع می‌شود و در این دوره ابن زهره، راوندی و ابن زهره قرار دارند. مرحله سوم که از نیمه دو قرن هفت شروع می‌شود، سرآغاز آن محقق حلی بوده است. در این دوره حوزه حله نقش ممتازی را داشت و محقق، علامه، فخر المحققین، شهیدین، فاضل مقداد، ابن فهد حلی تا می‌رسد به محقق کرکی، در این مقطع قرار داشتند. دوره سوم را به دوره استقلال نام‌گذاری کردند و کاملاً اندیشی شیعی هویت مستقلی را برای خود پیدا کرد و به سمت تصرفات سیاسی رفت که به دوره صفویه رسید.

مرحله چهارم

از قرن نهم تا اوایل قرن یازده مرحله چهارم نام دارد که برخی آن را به نام مرحله تدرروی و افراط نام‌گذاری کردند، در این مقطع دو گرایش عقلی و نقلی به اوج خود رسید که در قبال گروه اول مرحوم محقق اردبیلی، صاحب مدارک و صاحب معالم صاحب این عقیده است.

و در خط مقابل مرحوم استرآبادی است که در اوج قرار دارد. و به نحوی در این خط دوم، فیض، حر عاملی، مجلسی، صاحب حدائق و آل عصفور هم قرار می‌گیرند که نرم‌تر از همه آن‌ها صاحب حدائق است.



مرحله پنجم

مرحله پنجم به دوران معاصر می‌رسد که به دوران تصحیح و اعتدال نام‌گذاری کردند و نقش وحید بهبهانی و صاحب حدائق بسیار بالا بوده است.

مرحله ششم

دوره ششم هم‌دوره معاصر ماست که از مرحوم شیخ انصاری شروع می‌شود و اواخر قرن سیزده است و دوره تکامل و اوج و نزج گسترده اندیشه اجتهادی فقه و اصول به شمار می‌آید.